



عزیز غضنفری

international@khorasannews.com

بجنگیداما تخم کینه نکارید!

شاید نقطه اوج فیلم غریب آن جایی بود که شهید محمد بروجردی نه به عوامل خونریز تجزیه طلب، بلکه به یکی از همرزمانش متعرض شد و با او به شدت تمام برخورد کرد. در آن سکانس همرزم شهید بروجردی، یکی از عوامل تجزیه طلب که دستش به خون مردم کرد آلوده شده را می‌خواهد اعدام کند، اما در حین اجرای حکم که جمعی نیز این صحنه را تماشا می‌کنند به او لگد شدیدی می‌زند! شهید بروجردی با دیدن این صحنه عصبانی شدند و از آن فرد که تا چند لحظه دیگر قرار است اعدام شود خواستند تا در جلوی جمع با نفر همرزمش – که به عنصر تجزیه طلب لگد زده بود– مقابله به مثل کند. مسیح کردستان در همین جا به همرزمش گفت بجنگ اما تخم کینه را نکار؛ او سپس دستور داد تا تا همرزمش را به بازداشتگاه ببرند. رفتارهای شهید بروجردی این گونه بود که او را مسیح کردستان و محبوب دل و جان مردم آن سامان و بلکه همه مردم ایران ساخته است. این موضوع در عرصه اجتماعی و سیاسی نیز اهمیت مضاعف دارد؛ هر چند در نگاه اول یک تعارض به نظر می‌آید، اما شدنی است و فهم آن برای کسانی که به یکپارچگی جامعه می‌اندیشند ضرورت بیشتری دارد و آن این است که کنشگری و دفاع از یک فکر و باور نباید به قیمت پراکندن نفرت و دشمنی توأم شود. کسی را در حد و اندازه شهید سلیمانی سراغ نداریم که در دفاع نظامی و سیاسی از انقلاب و نظام و رهبری اهل رشات، صراحت و قاطعیت باشد، اما عجیب که این همه دل‌ها را شیفته و مشتاق خود ساخته است. علت اصلی رانیز باید در این نکته فهم کرد که او در عین حال که وسط میدان دفاع همه جانبه بود اما هیچ گاه مروج کینه‌ورزی و پراکندن نفرت نبود. این عارضه اما افراد زیادی را که در کنشگری سیاسی و اجتماعی کشور هستند، درگیر خود ساخته است. اختصاصی به چپ و راست و اصولگرا و اصلاح طلب هم ندارد. باید مرام و منش شهید بروجردی و مکتب شهید سلیمانی را شناخت و در کار فکری و اجتماعی و خاصه جهاد تبیین الگو قرار داد تا به زیباترین شکل ممکن دفاع عقلانی از فکر و عقیده با انسجام ملی و آرامش اجتماعی در کنار هم آراسته شود. نتیجه قهری این حالت ساخت جامعه‌ای منسجم و آرام‌بخش و در مسیر پیشرفت بر اساس آگاهی و عقلانیت است. امروز که دشمن شمشیر را از رو بسته، بیش از پیش به وحدت و یکپارچگی ملی نیازمندیم. پیام آن روز شهید بروجردی برای امروز ما این است که جهاد تبیین انجام دهیم اما مروج تفرقه میان مردم نباشیم و بذر نفرت و خشم در جامعه نکاریم. تا می‌توانیم بکوشیم آهنگ آرامش، امید، انسجام ملی و پیشرفت بر این کشور طنین انداز شود.

دوباره محاسبه کنید

همان قدر که در سمت دشمن تلاش برای «تغییر محاسبه» لازم است، در سمت مسئولان در ایران نیز تلاش برای «تغییر الگوی حکمرانی» ضروری است



مهدی محمدی

Political@khorasannews.com

چند روز گذشته، بی‌اغراق، از حیث هماوردی استراتژیک میان ایران و آمریکا، روزهایی کم‌مانند در تاریخ سال‌های اخیر بود. یک هفته پیش، وقتی نتانیاهو می‌خواست وارد واشنگتن شود، احتمالاً ارزیابی‌ای که به دولت آمریکا ارائه کرد، این بود که ایران ضعیف شده و در آستانه کوتاه آمدن است؛ فقط لازم است ترامپ را مصمم و سرسخت ببیند. این ارزیابی که یکی دو ماه است به تحلیل مسلط صهیونیست‌ها تبدیل شده، موجب شد ترامپ – با کارسازی مشاور امنیت ملی اش – یادداشتی را امضا کند که هدف آن «برداشتن گام آخر» در خواست نتانیاهو بود. صهیونیست‌ها در ماه‌های گذشته کمپینی را کلید زده‌اند که هدف آن انتشار تحلیل‌های غلط درباره محاسبات ایران در میان بازیگران دیگر است. درست مانند سال ۱۴۰۱ که دوره افتاده بودند و به کشورها می‌گفتند «حکومت ایران در آستانه سقوط است، فقط باید یک قدم دیگر بردارید»، این بار هم با همه توان سعی می‌کنند به دیگران بقبولانند نظام ایران در آستانه تغییر راهبرد اساسی است، فقط باید فشار را روی آن تشدید کرد. ترامپ و دولت او احتمالاً نخستین قربانی این کمپین بودند. ترامپ با وجود این که کم و بیش می‌داند هدف نهایی نتانیاهو چیزی جز کشاندن او به درگیری با ایران نیست، در مقابل این ارزیابی تسلیم شد و سندی را امضا کرد که در واقع شلیک به پای دولت خودش بود. برای ایران، معنای این سند آن بود که نتیجه هر نوع مذاکره از قبل معلوم است، بنابر این اساسا دلیلی برای مذاکره باقی نمی‌ماند. ضمناً پذیرش مذاکره به معنای تایید تحلیل‌های سوگیرانه‌ای است که صهیونیست‌ها به ترامپ ارائه کرده‌اند، لذا منجر به تشدید فشار خواهد شد، به جای آن که روزنه‌ای

چندان طول نکشید که روشن شد در این مورد هم برآورد اسرائیل ساده‌اندیشانه بوده است. جامعه ایران سخت درگیر مشکلات اقتصادی است اما هیچ موج بزرگ اجتماعی در دفاع از مذاکره با آمریکا درون آن شکل نگرفت، چرا که اساساً در ذهن این جامعه، تجربه موفقی از حل مشکلات اقتصادی بر اثر مذاکره یا توافق با آمریکا وجود ندارد. ترامپ و صهیونیست‌ها توقع زبانه کشیدن شعله‌ای را داشتند که خود پیش از این، آن را با قدرت تمام خفه کرده بودند و این واقعیتی است که خود را به عیان‌ترین شکل ممکن در اهیپمایی ۲۲ بهمن نشان داد. درون دولت نیز منصفانه باید گفت عاقلانه‌ترین و هوشمندانه‌ترین موضع ممکن اتخاذ شد، به ویژه رئیس‌جمهور و وزیر خارجه با خردمندی نشان دادند نیک می‌دانند دشمن در پی چیست و چگونه باید در مقابل آن ایستاد. به این ترتیب گام دوم نیز شکست خورد و راهبرد آن‌ها به جای این که به شکاف در ایران بیفزاید و روابرویی سیاسی و اجتماعی را تشدید کند، عملاً به متحدشدن کشور حول نظر رهبری انجامید. این که با وجود این حجم از مشکلات اقتصادی، در زمانی چنین کوتاه، همسویی قابل توجه سیاسی و اجتماعی در ایران آن هم بر سربیک مسئله عمیقاً چالش برانگیز رخ می‌دهد، از دید من، به معنای آن است که ایران بازی راهبردی در مقابل ترامپ را تا این جا برده است. اگر خردمندی در تیم ترامپ وجود داشته باشد، تحولات همین چندروز کافی است تا در یابند ارزیابی‌هایی که صهیونیست‌ها به آن‌ها می‌دهند و راه‌هایی که پیش پای آن‌ها می‌گذارد، بیشتر عملیات روانی است تا تحلیل، و دام است تاراهل. اکنون ترامپ باید تصمیم بگیرد چه می‌خواهد کند. اگر هدف او سخت‌تر کردن مواضع ایران و روابرویی با آن است، راه همین است که می‌رود؛ کسی در ایران برای قاتل خویش سوت و کف نخواهد زد. اما اگر در پی آن است که آن‌طور که ادعا می‌کند تنش با ایران را تشدید نکند و در نهایت راه‌حلی بیابد، نخستین گام این است که از

«اسرائیلیزه شدن سیاست آمریکا درباره ایران» جلوگیری و محاسباتی را که به عنوان «اطلاعات ارزیابی شده» به او ارائه کرده‌اند، به روزرسانی کند. تصور ایران ضعیف و متفرق، دامی است که اسرائیلی‌ها پیش روی دولت ترامپ پهن کرده‌اند و تحولات همین یک هفته کافی است که ماهیت این دام آشکار شده باشد. از این سو، در ایران، مانباید گام اول را گام آخر تصور کنیم. این که با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم و باور نداریم چنین مذاکره‌ای راه‌حل مشکلات اقتصادی است، گام اول است نه گام آخر. مردم می‌پرسند – و حق دارند بپرسند – که آن راه‌حل داخلی که قرار است مشکلات را حل کند، کجاست؟ چه کسی یا کسانی مسئولیت آن را به عهده دارند و تا چه حد با جدیت در حال پیگیری است؟ همان‌طور که مذاکره با آمریکا مشکل ایران را حل نمی‌کند، نفی مذاکره با آمریکا نیز نقطه‌ای نیست که قرار باشد کشور در آن متوقف شود. بلافاصله باید وارد قدم بعدی شد و آن چیزی نیست جز نشان دادن اراده‌ای قاطع و مصمم برای حل مشکلات مردم، بی‌آن که به کسی مانند ترامپ امید بسته شده باشد. بی‌تعارف، اکنون چنین اراده قاطع و مصممی دیده نمی‌شود. مطالبه رهبر انقلاب از مسئولان به این که با آمریکا مذاکره نکنند خلاصه نمی‌شود، بلکه ایشان در همه این سال‌ها نخستین مطالبه‌گر و مدعی آن بوده‌اند که باید گام‌هایی اساسی به نفع مردم برداشته شود و بخش مهم امکان‌ها و اختیارات خویش را برای تسهیل این موضوع به دولت‌ها و اگذار کرده‌اند. همان قدر که در سمت دشمن تلاش برای «تغییر محاسبه» لازم است، در سمت مسئولان در ایران نیز تلاش برای «تغییر الگوی حکمرانی» ضروری است. این دوباید در یک بسته مکمل کنار هم قرار بگیرد تا بتوان گامی به جلو برداشت. اگر چنین شود، می‌توان از دل تهدید فعلی فرصتی بیرون کشید و الا تضمینی نیست که چالش‌ها بیشتر نشود و بر تهدیدها نیز فزاید.



جناب آقای دکتر علی اشرافی

مصیبت درگذشت پدر بزرگوارتان را صمیمانه تسلیت عرض می‌کنیم. ما را در غم خود شریک بدانید.

گروه قلب و عروق دانشگاه علوم پزشکی مشهد

حوالبای

با قلبی اندوهگین و چشمانی اشکبار، درگذشت

همسر، مادر و خواهر عزیزمان

مرحومه مغفوره ناهید حسینیون

را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رسانیم.

مراسم خاکسپاری روز چهارشنبه ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ ساعت ۱۱:۰۰ صبح در آرامگاه ابدی‌اش در بهشت جوادالائمه برگزار خواهد شد.

مراسم یادبود مردانه و زنانه روز پنج شنبه ۱۴۰۳/۱۱/۲۵ در مسجد قبا

از ساعت ۱۵:۰۰ الی ۱۶:۳۰ و روز جمعه ۱۴۰۳/۱۱/۲۶ از ساعت ۱۷ الی ۱۸:۳۰

در تالار رز واقع در خیابان فرهاد برگزار می‌گردد.

روحش شاد و یادش گرامی

خانواده های نجاران طوسی و حسینیون و سایر فامیل وابسته

اخبار ۱۱



یادداشت

مهدیه شادمانی

international@khorasannews.com

مصائب گروه‌گرایی و فامیل‌محوری!

با نگاهی عمیق به تاریخ و ساختار قدرت پهلوی می‌توان چالش استعمار و استبداد را از علل کلیدی و چرایی انقلاب ۵۷ نام برد. نهضتی که با اتکا به بسیج مردمی، رهبری و گسترش ایدئولوژی انقلابی سبب تغییر سریع و بنیادین ارزش‌ها، ساختارهای اجتماعی و نهادهای سیاسی رژیم منحوس پهلوی گردید. پس از وقوع انقلاب و در طی این ۴۶ سال دشمنان جمهوری اسلامی برنامه‌های مختلفی را در جهت شکست انقلاب و عدم تحقق اهداف آن به مرحله عملیاتی رسانده‌اند. اما به جرئت می‌توان با نگاهیמושکافانه و نقادانه مدعی بود آسیب اصلی که ظرفیت توقف حرکت انقلاب اسلامی را دارا است مهم‌تر از تلاش دشمن، سوءمدیریت و انسداد محدوده قدرت از طریق حضور ناشایستگان و عدم اصلاحات ساختاری است. متأسفانه عدم‌گزینش‌نخبه‌محور در منابع نیروی انسانی سبب شکل‌گیری نقصان‌هایی در سطح حکمرانی شده که خروجی آن تعمیق شکاف در بدنه قدرت است. عیوب نظام مدیریتی از طریق تصاحب جایگاه‌های کلیدی بر مبنای گروه‌گرایی و فامیل‌محوری علاوه بر نقض حقوق شهروندی می‌تواند منجر به استبداد و توقف مسیر رشد کشور در حوزه‌های مادی و معنوی شود. بی‌اغراق در تحلیل علل ناکارآمدی و رکود قدرت به عدم‌گردش و انعطاف‌ناپذیری نخبگان می‌توان اشاره داشت و از پست‌های مدیریتی کلان تا حتی مشاغل خرد نیز شاهد تنگ‌نظری و عدم شایسته‌سالاری و شایسته‌پروری هستیم. شیوه‌گزینش‌میوب و غیر عادلانه زمینه‌آن شده تا تقسیم‌قدرت بر مبنای استعداد نبوده و حضور مدیران نالایق و غیر کاردان سبب عدم‌توجه به ضوابط و شکل‌گیری باندبازی گردد. بهره‌گیری از حضور شایستگان در عرصه حکمرانی در اندیشه سیاسی اسلام نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است. چنانکه پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «هر که در میان چند مسلمان یک نفرشان را رئیس قرار دهد و بداند در میان آن چند نفر کسی بهتر و لایق‌تر و عالم‌تر به کتاب خدا و سنت نبی‌اش است، به خدا و رسولش و همه مسلمانان خیانت کرده است.» (جامع‌الصغیر، ج ۱) ویلفر دوپارتوا ز مهم‌ترین نظریه‌پردازان نخبه‌گرا نیز با تاکید بر سیستم‌شایسته‌سالاری درباره‌چگونگی‌ورود نخبگان معتقد است که باید حکومت در این مورد تدبیر خود را به کار بگیرد و همان‌طوری که از یک طرف از ترکیب نخبگان قدیم کم می‌کند باید به ترکیب نخبگان جدید اضافه کند در واقع جامعه متعادل ترکیب متناسبی از نخبگان جدید و قدیم است، به نظر می‌رسد که این یک منطق عقلی است چرا که جامعه به یکباره دچار تغییر و تحول ناگهانی نمی‌شود بلکه تغییرات نخبگان به صورت تدریجی و آرام است که در نهایت موجب تعادل جامعه می‌شود. بنابر این در جهت تحقق عدالت سیاسی و عدم بی‌ثباتی نیازمند گردش نخبگان با محوریت شایسته‌سالاری هستیم. کشف شایستگان می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوی عادلانه پیشرفت و اصلاح‌گری در مسئولیت‌های اجرایی و مدیریتی شده و با حاکمیت ارزش‌ها و حضور نخبگان در ساختار قدرت به وضعیت مطلوب با معیار حق محوری دست‌یافت. از سویی سامانه‌های نظارتی کارآمد، دقیق و گزینش‌گری‌حق‌محور با تاکید بر عدالت سیاسی ظرفیت آن را دارد تا با دور نگه داشتن افراد متملق و چاپلوس و حضور مدیران زبده، با تقو و شایسته‌حرکت قدرت را به سمت پیشرفت و توسعه سوق دهد.

مرکز دروازه آخرت است

صبر و شکیبایی کنجی

از کنجهای بهشت است